

برنامه‌ریزی در تابستان

همانگی صدا و موسیقی در حرکتی هم‌ساز و دلنواز می‌نگرد و البته مصداق‌ها در این مورد کم نیست. اثر هنری، ساده و ابتدایی هم که باشد، خصوصیات درونی فرد را آشکار می‌کند و نیات درونی شخصیت‌ها را برملا می‌سازد. هنرمند شاید به‌خاطر ناملایمات و کاستی‌های روزگار خسته باشد اما این خستگی با کار هنری می‌تواند به امیدواری تبدیل شود. بنابراین باید این حس خوش‌راه که ارمغان تفکر هنری است، ارج نهاد و حرمت آن را پاس داشت.

با فرا رسیدن فصل تابستان بزرگ‌ترین بازه زمانی برای شکل دادن اوقات فراغتی سالم و صحیح پیش روی ماست. چه سایبانی بهتر از سایه هنر و اقسام آن که می‌تواند شکوفایی بچه‌ها را در این زمان بسیار عالی تضمین کند؟ غیر از انتظار از مدیران گرامی مدارس برای استفاده مطلوب از امکانات مدرسه، یادآوری به اولیا نیز ضروری است که کودکان را به حال خود رها نکنند؛ زیرا سرگرمی‌های بی‌شمار موجب گذشتن وقت آن‌ها خواهد شد. اما بپذیریم که گذران وقت با هنر، وقت‌گذرانی نیست؛ سرمایه‌گذاری برای اعتدال روح و تنظیم روابط انسانی با دیگران است. هنرمند چشمان بینای جامعه است. هرگونه هم‌نشینی فرزندان ما با اهل هنر، بهترین آموزش غیررسمی و حضور در مدرسه نامرئی است که حاصل آن، بزرگانی مانند استاد محمود فرشچیان و علامه جلال همایی خواهد بود که با هنر و فضل خویش چشمان جهانیان را خیره می‌کنند. بر این باوریم که آموزه‌های تربیت اولیه بسیار اهمیت دارند و شاهد عینی و ارزنده صحت این باور استاد فرشچیان است. زمانی که در کودکی، زنده‌یاد عیسی امامی نقش آهویی را برای تمرین به وی می‌دهد، او همان نقش را ۲۰۰ بار در جهت‌های متفاوت طراحی می‌کند که اعجاب استادش را به‌دنبال دارد. وجوه جهانی استاد و صیت جهانگیرش از سرچشمه همان تربیت اولیه آبیاری می‌شود. و یا استاد جلال همایی در زمستان روی حصیر سرد مطالعه می‌کرد تا مبادا خواب بر چشمانش مستولی شود و زمان را از دست بدهد.

این نمونه‌ها ستاره‌های راهنمایند و می‌توان با هدایت آن‌ها، راه رسیدن به هدف و گوهر مقصود را یافت. تابستان فرا رسیده و فرصت گران‌قدری را پیش روی اهل هنر قرار داده است. این فرصت ارزشمند را مبنای برنامه‌ریزی برای پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان قرار دهیم و در آن نقش هنر را پررنگ‌تر ببینیم.

کاوه تیموری

«عالم هنر زیبا و دوست‌داشتنی است.» این سخن بدیهی است، ولی برای اینکه بتوان باورش کرد باید مهر تصدیق بزرگان هنر را بر خود داشته باشد. عالم هنر دنیای دوری از ظواهر مادی و گذرای زندگی و توجه کردن به عمق معنای آن است. برای ترویج این کارکرد مهم هنر، لازم است «تربیت هنری» در شمار تربیت‌های اولیه و آموزه‌های نخستین فرزندان قرار گیرد. زیرا این تربیت اولیه بی‌تردید سراسر زندگی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

شگرد شیرین معلم هنر، لذت بردن از کار هنری و اجرا کردن آن با لذت است. این دو چاشنی، دلچسب‌ترین حالت را در فراگیرندگان به‌وجود می‌آورند. زیرا آن‌ها با کنجکاوی می‌پرسند: «معلم خوش‌ذوق من، چه لطیفه نهدنی و چه سر پنهانی را در این فرایند احساس می‌کند؟ در عمق وجود او چه می‌گذرد که لحظه لحظه تولید هنری برایش این قدر شورآفرین و لذت‌بخش است؟ راستی راز گوهر هنر چیست که می‌توان با تمام وجود به آن دل سپرد و از تعلقات و امیال و بندهای دنیوی فاصله گرفت؟»

این سؤالات می‌تواند آرام‌آرام به‌شکل‌گیری نوعی ساده از فلسفه زیباشناسی هنر در ذهن کودکان بینجامد؛ فلسفه‌ای که تربیت هنری را معنادار می‌کند و به قلم و نقش و رنگ و طرح تشخیص می‌بخشد تا هر کدام در زبان نمادین جایگاه خود را داشته باشند.

حال اگر «صمیمیت» و «صداقت» را که از شئون ویژه کار معلمی هستند، به ویژگی لذت‌آفرینی هنر بیفزاییم، ترکیب نیرومندی از خوبی‌ها شکل می‌گیرد که همه دانش‌آموزان را، حتی با شخصیت‌های متفاوت، دلپسته خویش می‌کند. باور کنیم که باور به هنر یعنی دیدن جهانی زیباتر و پرمعناتر و این باور را با عمق وجود به بچه‌ها منتقل کنیم. زیرا در این فضا دانش‌آموز احساس آزادی و رهایی می‌کند و با بال روح پر می‌گیرد و جلوه‌ای تازه از خلاقیت آزادانه و بکر خویش را بر ما آشکار می‌سازد.

آیا هدف‌های رفتاری در تعلیم و تربیت هنری چیزی ورای این نتیجه را در نظر دارند؟ یکی از حالات هنر، به‌خود آمدن و کنندن از خویش است. این تغییر درونی و ایجاد نگرش تازه، سنگ بنای هر کار و حرکت هنری است. نگرشی متفاوت و نگاهی دیگر که می‌تواند از نوع شنیدن طنین موسیقی و نقاشی کردن آن باشد. می‌تواند از جنس نقش زدن نواها و صداها باشد. بنابراین، شاخصه اصلی آن لطافت است؛ لطافتی که به وحدت و